

مؤسسه آموزش عالی آزاد



نکات و پاسخنامه تشریحی آزمون آزمون دوره دوم مرحله هفتم

ردیف	پاسخ تشریحی	ضریب	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	حقوق مدنی	۳	۲۰	۱	۲۰
۲	آیین دادرسی مدنی	۳	۲۰	۲۱	۴۰
۳	حقوق تجارت	۲	۲۰	۴۱	۶۰
۴	اصول استنباط حقوق اسلامی	۱	۲۰	۶۱	۸۰
۵	حقوق جزای عمومی و اختصاصی	۲	۲۰	۸۱	۱۰۰
۶	آیین دادرسی کیفری	۲	۲۰	۱۰۱	۱۲۰

** برای دریافت کارنامه نهایی، آنالیز آزمون و پاسخنامه تشریحی به وب سایت مؤسسه مراجعه

فرمایید.

آدرس: بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه امینی، پلاک ۱۴، ساختمان مهرپویان

www.mehrpouyan.com

۸۸۹۳۰۸۰۱-۴ ۸۸۹۳۰۷۰۱-۴

بیستم مرداد ماه سال ۱۳۹۶

حقوق مدنی

۱- گزینه ۱ صحیح است.

صغیر غیر ممیز شخص نابالغی است که فاقد قدرت تشخیص بوده و اراده انشایی ندارد و توان تمیز سود از زیان را ندارد و صغیر ممیز فردی است که از درک نسبی برخوردار بوده و توان تشخیص سود و ضرر را دارد و می تواند اراده حقوقی داشته باشد. برای سن تمیز در قانون معیار مشخصی نیست و تشخیص آن با دادرسی است. ماده ۱۲۱۲ ق.م قاعده کلی را بیان می کند و لفظ صغیر در ابتدای آن شامل هر دو دسته می شود و کما اینکه لفظ بطلان در این ماده در معنای عام خود به کار رفته و «عدم نفوذ» را هم شامل می شود. به این نحو که اعمال حقوقی صغیر غیر ممیز به دلیل فقدان قصد مطلقا باطل است و قابل تنفیذ نیست لیکن اعمال صغیر ممیز همچون سفیه غیر نافذ است و با اذن سرپرست وی ترمیم می گردد. شایان ذکر است که اعمال حقوقی صرفا نافع صغیر ممیز (همچون قبول هبه) بدون تنفیذ هم صحیح است.

۲- گزینه ۱ صحیح است.

از اطلاق ماده ۳۵ ق.م بر می آید که تصرف بطور کلی اماره مالکیتی است به نفع متصرف؛ بنابراین فرقی نمی کند این تصرف اثبات کننده مالکیت خصوصی باشد یا مالکیت عمومی را ثابت کند. برای مثال اگر شهرداری زمینی را بعنوان پارک در تصرف دارد، می تواند برای اثبات مالکیتش به این اماره استناد کند.

۳- گزینه ۲ صحیح است.

بعنوان قاعده کلی باید گفت که شرط عوض در تمام عقود بلا عوض صحیح است زیرا شرط جنبه فرعی دارد و در مقابل عوض قرار نمی گیرد. ولی این قاعده کلی یک استثنای مهم دارد و آن عقد وقف است. به عبارت دیگر شرطی که به سود واقف و بعهده موقوف علیه است، باطل می باشد لیکن وقف را باطل نمی کند.

۴- گزینه ۴ صحیح است.

به موجب ماده ۶ قانون مذکور چنانچه قراردادی بین مالکین ساختمان برای اداره قسمت های مشترک وجود نداشته باشد کلیه تصمیمات با اکثریت آرای مالکینی است که بیش از نصف مساحت تمام قسمت های اختصاصی را مالک باشند.

۵- گزینه ۲ صحیح است.

در عقد معلق در صورتی که تحقق اثر عقد منوط به اراده مدیون شود و به صورت دلخواه در آید (مانند فرض سوال) عقد معلق باطل است. اینگونه شروط با قصد انشاء منافی است و در عقود معوض سبب بطلان عقد و سقوط تعهد طرف دیگر می شود.

۶- گزینه ۳ صحیح است.

از جمله مواردی که اشتباه باعث بطلان عقد می شود آنست که اشتباه در خود موضوع معامله رخ بدهد. (ماده ۲۰۰ ق.م) خود موضوع معامله همان وصف اساسی و مهم مورد معامله است که اصولا معامله بخاطر همان وصف انجام گرفته است بگونه ای که اگر طرف می دانست مورد معامله آن وصف را ندارد اصلا حاضر به انجام معامله نمی شد. (مانند طلا بودن ساعت در مثال ما) در اینجا هم طرفین ولو بطور ضمنی و متباینیا توافق دارند که مبیع از جنس طلا باشد و حال که خلاف آن کشف شده باید عقد را کان لم یکن دانست.

۷- گزینه ۱ صحیح است.

باید توجه داشت که اراده نماینده عقد را به وجود می آورد پس وکیل باید اهلیت لازم برای انشاء عقد داشته باشد و عیوب اراده او در مواردی که تصمیم می گیرد و نقش اجراء کننده ساده را ندارد نفوذ و اعتبار عقد را از بین می برد. برعکس لازم نیست که اصیل دارای اهلیت برای قصد انشاء باشد چنان که صغیر و مجنون و سفیه می توانند به وسیله نمایندگان خود طرف قرارداد واقع شوند.

۸- گزینه ۳ صحیح است.

مطابق نص ماده ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ هر گاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری، رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض و ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست. جهت دیدن صحت گزینه ۱ رجوع شود به ماده ۵۲۷ و گزینه ۲ به ماده ۵۳۷ گزینه ۴ هم ماده ۵۲۹ ق.م

۹- گزینه ۳ صحیح است.

اصل صحت در فرضی قابل اعمال است که بر حسب ظاهر عقد واقع شده باشد و از آن نمی توان برای رفع تردید در وقوع عقد استفاده کرد پس در صورت شک در فراهم آمدن ارکان عقد ایجاب، قبول و موضوع باید اثبات شود و گرنه نتیجه آن فساد است. در جایی که الفاظ عقد در عرف معانی گوناگونی دارد، اصل صحت ایجاب می کند که عبارات ها باید حمل بر معانی ای شود که عقد در آن صورت درست است.

۱۰- گزینه ۳ صحیح است.

***در واقع شخصی که تعهد خود را در موعد معین انجام ندهد و پس از آن نیز علت خارجی مانع انجام کار او شود مسؤول جبران زیان های ناشی از عدم انجام تعهد است زیرا در این حالت تقصیر مدیون نیز سهم بسزایی در جلوگیری از کار مورد تعهد دارد و علت را به طور کامل نمی توان خارجی دانست.

۱۱- گزینه ۱ صحیح است.

*** اگرچه از ماده ۲۳۵ ق.م چنین استفاده می شود که خریدار تنها حق فسخ معامله را دارد لیکن باید دانست که مجرای این ماده جایی است که موضوع معامله عین معین است. از این رو در جایی که عین کلی به عنوان مبیع مورد معامله قرار بگیرد و وصف خاصی در آن شرط شده باشد باید این حق را برای مشتری قائل شد که با بیع را به تسلیم کالای موصوف اجبار کند(مواد ۲۳۶ تا ۲۳۹ ق.م) و در صورتی که به هر دلیلی انجام شرط ممتنع شد برای دفع ضرر از خریدار به وی حق فسخ معامله را داد.

۱۲- گزینه ۱ صحیح است.

*** از مفاد ماده ۳۶۵ و ۳۶۶ ق.م و به ویژه اطلاق آنها چنین بر می آید که خریدار در حکم غاصب است و از این رو ضامن عین مال و به علاوه منافع مستوفات و غیر مستوفات است. بنابراین ولو آنکه ظاهراً خریدار حسن نیت داشته باشد و مال هم با اذن بایع در ید او بوده باشد، از ضمان مشتری نمی کاهد. در تقویت این حکم باید گفت که تراضی دو طرف و اذن مالک در استفاده خریدار از مبیع به دلیل تصور وی از صحت بیع بوده است به گونه ای که اگر بایع می دانست که بیع باطل است اجازه استفاده خریدار و تصرف وی بر مبیع را نمی داد.(ر.ک ماده ۳۲۳ ق.م)

۱۳- گزینه ۳ صحیح است.

***مطابق با بند یک ماده ۴۲۹ یکی از مواردی که فقط می توان ارش گرفت و حق فسخ ساقط می شود منتقل کردن مبیع به غیر است ولی باید توجه داشت که این قاعده مربوط با نظم عمومی نیست و دو طرف می توانند به فسخ قرارداد و مبادله مبیع و ثمن تراضی کنند. لازم به ذکر است در صورتی که انتقال پیش از آگاهی از عیب انجام شود با بازگشت مبیع به ملکیت خریدار حق فسخ بیع نیز وجود دارد.

۱۴- گزینه ۴ صحیح است

***مستند به ماده ۳۸۷ قانون مدنی اگر مبیع قبل از تسلیم بدون اهمال و تقصیر از سوی بایع تلف شود عقد منفسخ می شود فلذا عقد تا زمان تلف صحیح بوده و منافع مبیع متعلق به مشتری و منافع ثمن متعلق به بایع است.

۱۵- گزینه ۲ صحیح است.

*** اجاره فصولی تابع قواعد عمومی راجع به معامله به مال غیر است و به همین جهت عدم نفوذ آن ویژه موردی است که منافع عین معین واگذار شود لیکن در مورد اجاره کلی چون در اثر اجاره مستأجر هیچ حق عینی بر هیچ مالی پیدا نمی کند موجد می تواند تعهد به تملیک منفعت مالی کند که افراد آن متعلق به دیگری است. انتخاب فردی هم که به دیگری تعلق دارد، اجاره را فصولی نمی کند زیرا در چنین حالتی اساساً موجد به عهد خود دایر بر تملیک منفعت وفا نکرده است و می توان الزام او را از دادگاه خواست.

۱۶- گزینه ۳ صحیح است.

*** مساله ما نحن فیه مصداق فرض ایادی متعاقبه غصب است که در ماده ۳۱۸ ق.م حکم آن بیان شده است. در چنین فرضی ضمان تلف عین مغضوبه (حسب مورد مثل یا قیمت) نهایتاً به عهده کسی است که مال در ید او تلف شده است و در صورتی که مالک به وی رجوع کند دیگر چنین غاصبی حق رجوع به سایرین را ندارد و ضمان بر عهده همان شخص مستقر می شود پس اصولاً غاصب دوم حقی بر غاصب اولی ندارد.

۱۷- گزینه ۴ صحیح است.

*** مفاد مادتهای ۱۵ و ۱۹ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ و تبصره ذیل آن به موارد استحقاق مستأجر در دریافت سرقتی پرداخته است. این حق عموماً به طور کامل و حسب مورد به مستأجر یا متصرف تعلق می گیرد. اما در یک فرض استثنایی مقنن این حق را به نصف تقلیل داده است که مفاد آن در تبصره ۱ ذیل ماده ۱۹ قانون ۵۶ آمده است. در خصوص این تبصره باید گفت از آنجایی که هیچ شرطی نمی تواند حق انتقال به غیر را از مستأجر سلب کند، اقدام بدون اذن و بدون مجوز او نوعی تقصیر محسوب می شود که کیفر آن کاهش حق سرقتی به نصف خواهد بود.

۱۸- گزینه ۳ صحیح است.

***در عقد قرض یکی از طرفین مقدار معینی از مال خود را به دیگری تملیک می کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید. بنابراین چنین عقدی قرض نبوده چرا که مثل پس داده نمی شود و از جنس دیگری باید رد شود. اما بر طبق م ۱۰ قانون مدنی نافذ بوده و الزام آور است. (کاتوزیان عقود معین جلد اول شماره ۴۳۶)

۱۹- گزینه ۳ صحیح است.

***اقاله نسبت به همه عقود ممکن است واقع شود مگر در موارد خاص مثل عقد نکاح و وقف که به لحاظ جنبه های معنوی و اجتماعی به وسیله اقاله از بین نمی رود. اقاله را نمی توان فسخ یا اقاله کرد، فسخ مانند اقاله است که منحصر به وسیله امحای عقد و قطع آثار آن است و در اقاله راه ندارد. اقاله عقد و قطع آثار آن بر خلاف خیار یک حق نیست تا قابل انتقال به وراث طرفین باشد بلکه در حقیقت حکم و تأسیسی است که اراده شخص در حفظ یا اسقاط آن دخالتی ندارد. بنابراین، اقاله معامله به وسیله وراث طرفین ممکن نیست.

۲۰- گزینه ۱ صحیح است.

*** اصولاً برای تحقق عنوان غصب (یا در حکم غصب) استیلا بر مال غیر شرطیت دارد و استیلا به معنای تسلط و اقتدار غاصب بر عین مغصوبه است. در مساله فوق پیش از آنکه مال به خریدار تسلیم شود مال تلف شده است و از این رو تحقق عنوان استیلا (و به تبع آن غصب) منتفی است. بنابراین تفصیل به دلیل عدم تحقق عنوان غصب (یا در حکم غصب) امکان رجوع به خریدار (ولو عالم یا جاهل) وجود نخواهد داشت زیرا شرایط مذکور در ماده ۳۰۸ ق.م.محقق نشده است.

آیین دادرسی مدنی

۲۱- گزینه ۴ صحیح است.

*** رجوع کنید به ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی. این ماده مقرر می دارد که: «هرگاه بین دادگاههای عمومی، نظامی و انقلاب در مورد صلاحیت اختلاف محقق شود همچنین در مواردی که دادگاهها اعم از عمومی، نظامی و انقلاب به صلاحیت، مراجع غیرقضایی از خود نفی صلاحیت کنند و یا خود را صالح بدانند پرونده برای حل اختلاف به دیوان عالی کشور ارسال خواهد شد. رای دیوان عالی کشور در خصوص تشخیص صلاحیت لازم الاتباع می باشد». بنابراین باید گفت که اگر دادگاهها به صلاحیت مراجع غیر قضایی از خود نفی صلاحیت کنند. لذا با توجه به این که سازمان تعزیرات حکومتی مرجع غیرقضایی می باشد، بنا به ماده ۲۸ مذکور دیوان عالی کشور مرجع صالح را تعیین می کند.

۲۲- گزینه ۱ صحیح است.

مستند تبصره ماده ۳۴ قانون آدم (در صورتی که موکل امضا، مهر یا اثر انگشت خود را انکار نماید دادگاه به این موضوع نیز رسیدگی خواهد نمود).

۲۳- گزینه ۴ صحیح است.

رسیدگی به امور حسبی تابع تشریفات آ.د.م نمی باشد مگر اینکه اجرای قانون آیین دادرسی مدنی توسط قانون امور حسبی تصریح شده باشد.

۲۴- گزینه ۲ صحیح است.

*** رجوع کنید به ماده بند ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت. ماده مزبور مقرر می دارد که: «قوه قضائیه موظف است کلیه درآمدهای خدمات قضائی از جمله خدمات مشروحه زیر را دریافت و به حساب درآمد عمومی کشور واریز نماید: ... ۱۲. ... _ در دعاوی مالی غیر منقول و خلع ید از اعیان غیر منقول از نقطه نظر صلاحیت، ارزش خواسته همان است که خواهان در دادخواست خود تعیین می نماید. لکن از نظر هزینه دادرسی، باید مطابق ارزش معاملاتی املاک در هر منطقه تقویم و بر اساس آن هزینه دادرسی پرداخت شود».

قانون گذار در ماده مذکور مقرر کرده است که در دعاوی خلع ید از اعیان غیرمنقول، صلاحیت محاکم بر اساس بهای تعیینی خواهان مشخص می گردد. اما در خصوص هزینه دادرسی، بهای تعیینی خواهان نمی تواند مورد توجه قرار گیرد؛ بلکه آنچه که تعیین کننده هزینه دادرسی است، بهای معاملاتی املاک در هر منطقه می باشد. با این حال تمامی گزینه ها به غیر از گزینه ۲، اشتباه می باشند.

۲۵- گزینه ۳ صحیح است.

*** مستند به ماده ۵ قانون حمایت خانواده جدید «در صورت عدم تمکن مالی هریک از اصحاب دعوی دادگاه می تواند پس از احراز مراتب و با توجه به اوضاع و احوال، وی را از پرداخت هزینه دادرسی، حق الزحمه کارشناسی، حق الزحمه داور و سایر هزینه ها معاف یا پرداخت آنها را به زمان اجرای حکم موکول کند. همچنین در صورت اقتضاء ضرورت یا وجود الزام قانونی دایر بر داشتن وکیل، دادگاه حسب مورد رأساً یا به درخواست فرد فاقد تمکن مالی وکیل معاضدتی تعیین می کند.

۲۶- گزینه ۴ صحیح است.

***خواستۀ محدودهٔ رسیدگی را مشخص می نماید؛ بنابراین هرگاه بین شرح دادخواست و ستون خواسته در دادخواست تعارض وجود داشته باشد، هیچ یک از آن دو معتبر نبوده. در این صورت، چنانچه مدیر دفتر به هنگام ثبت دادخواست متوجه این امر شود، اخطار رفع نقص صادر می نماید؛ و در صورت عدم توجه دفتر دادگاه، قاضی رسیدگی کننده رأساً یا با ایراد خوانده از خواهان توضیح می خواهد. (آیین دادرسی مدنی، دوره پیشرفته، جلد سوم، شمس، شماره ۴۹).

۲۷- گزینه ۳ صحیح است.

*** مستند مواد ۸۷ و ۹۰ قانون آ.د.م (ایرادات و اعتراضات باید تا پایان اولین جلسه دادرسی به عمل آید مگر اینکه سبب ایراد متعاقباً حادث شود) هرگاه ایرادات تا پایان جلسه اول دادرسی اعلام نشده باشد دادگاه مکلف نیست جدا از ماهیت دعوا نسبت به آن رای دهد.

۲۸- گزینه ۲ صحیح است.

*** فوت یکی از اصحاب دعوا در دادرسی گاه باعث صدور قرار توقیف دادرسی می شود مانند دعوی مطالبه مهر و گاه منجر به صدور قرار سقوط دعوا مانند دعوی تمکین.

۲۹- گزینه ۳ صحیح است.

*** بند ۹ ماده ۳۵ قانون آ.د.م (وکالت در دادگاه ها شامل تمام اختیارات راجع به امر دادرسی است جز آنچه را که موکل استثناء کرده باشد یا توکیل در آن خلاف شرع باشد لیکن در امور زیر باید اختیارات وکیل در وکالتنامه تصریح شود: ۹- وکالت در استرداد دادخواست یا دعوا) و استرداد دعوا علی القاعده توسط ولی قابل پذیرش است.

۳۰- گزینه ۳ صحیح است.

*** رجوع کنید به ماده ۱۶۳ قانون اجرای احکام مدنی.

در ماده مزبور بیان شده است که: « کسی که راجع به مالکیت یا اصل حق ارتفاق و انتفاع اقامه دعوا کرده است، نمی تواند نسبت به تصرف عدوانی و ممانعت از حق، طرح دعوا کند». با توجه به این که ادعا راجع به حق انتفاع در خصوص اصل حق مزبور است، دعوی ممانعت نیز در فرض سوال مطروحه مشمول این مقررۀ قرار می گیرد.

۳۱- گزینه ۳ صحیح است.

*** مطابق مواد ۱۱۶ و ۱۱۹ قانون آ.د.م. قرار تأمین خواسته قابل اعتراض می باشد لیکن قابل تجدیدنظر نمی باشد و نیز قرار رد تأمین خواسته نه قابل اعتراض است و نه قابل تجدیدنظر.

۳۲- گزینه ۱ صحیح است.

*** در نگاه نخست شاید بتوان گفت که وارد ثالث در صورتی باید تأمین دهد که از جمله در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلاً حقی قابل باشد و در نتیجه از وارد ثالث تبعۀ خارجی که خود را در محقق شدن یکی از طرفین ذینفع می داند، نمی توان تأمین گرفت. اما باید پذیرفت که چون تأمین مزبور از جمله بابت حق الوکاله دفاع از دعوی ورود ثالث است، و بی آنکه تفاوتی بین انگیزۀ ثالث از ورود در دعوا گذاشته شود، تعیین شده است، وارد ثالث تبعۀ دولت خارجی را با هر یک از دو انگیزۀ مزبور در برمی گیرد. (آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته جلد سوم، شمس، شماره ۴۳).

۳۳- گزینه ۲ صحیح است. (مستند به ماده ۱۳۰ و ۱۳۵ قانون آ.د.م.)

*** ماده ۱۳۰ - هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلاً " حقی قابل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی نفع بداند، می تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد، چه این که رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر. در این صورت نامبرده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آنجا مطرح است تقدیم و در آن منظور خود را به طور صریح اعلان نماید.

ماده ۱۳۵ - هر یک از اصحاب دعوا که جلب شخص ثالثی را لازم بداند، می تواند تا پایان جلسه اول دادرسی جهات و دلایل خود را اظهار کرده و ظرف سه روز پس از جلسه با تقدیم دادخواست از دادگاه درخواست جلب او را بنماید، چه دعوا در مرحله نخستین باشد یا تجدیدنظر.

۳۴- گزینه ۴ صحیح است.

*** رجوع کنید به ماده ۱۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی.

این ماده بیان کرده است که: « دادگاه طرف مقابل را برای تأمین دلیل احضار می نماید ولی عدم حضور او مانع از تأمین دلیل نیست. در اموری که فوریت داشته باشد دادگاه بدون احضار طرف، اقدام به تأمین دلیل می نماید». نص مزبور امکان احضار را برای تأمین دلیل یعنی اجرای قرار تأمین دلیل پیش بینی کرده است، نه برای رسیدگی به درخواست تأمین دلیل. بنابراین گزینه چهارم صحیح است.

۳۵- گزینه ۴ صحیح است.

*** مستند به ماده ۲۴ قانون اجرای احکام مدنی

«ماده ۲۴ - دادورز (مامور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی‌تواند اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید یا به تاخیر اندازد مگر به موجب قرار دادگاهی که دستور اجرای حکم را داده یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تاخیر اجرای حکم را دارد یا با ابراز رسید محکوم‌له دایر به وصول محکوم به یا رضایت کتبی او در تعطیل یا توقیف یا قطع یا تاخیر اجرا.»

۳۶- گزینه ۱ صحیح است.

*** اظهارنامه سند عادی و رسمی است زیرا آن بخش از اظهارنامه که توسط خود فرد تنظیم می‌شود عادی است و آن بخش که مامور ابلاغ گزارش کرده است رسمی می‌باشد. اظهارنامه به موجب ماده ۱۵۶ قانون آ.د.م، طریق رسمی مطالبه حق از دیگری است و توسط اداره ثبت اسناد و املاک کشور یا دفاتر دادگاه ابلاغ می‌شود.

۳۷- گزینه ۱ صحیح است.

*** در مورد درخواست صدور دستور موقت در مرحله تجدیدنظر باید گفت که اگرچه به نظر می‌رسد مقررات مربوط به مواد ۳۱۱ تا ۳۲۵ ق.ج. ناظر به مرحله نخستین باشد؛ لیکن باید چنین فرض را وارد مورد غالب دانست و همچنین اطلاق ماده ۳۱۰ ق.ج. و همچنین فقدان مانع قانونی، حاکی از جواز درخواست دستور موقت در مرحله تجدیدنظر است. در دعوی اضافی که از سوی خواهان اصلی اقامه می‌شود نیز تردیدی در جواز درخواست دستور موقت نیست. درخواست دستور موقت توسط خوانده اصلی علیه مجلوب ثالث مجاز است؛ زیرا مجلوب ثالث به موجب ماده ۱۳۹ ق.ج. خوانده محسوب می‌شود و تمام مقررات و احکام خوانده راجع به او مجری است و دستور موقت نیز علیه خوانده مطرح می‌گردد. درخواست دستور موقت از سوی وارد ثالث تبعی مورد اختلاف است. با این حال به نظر می‌رسد در صورتی که ثالث به تبع خواهان وارد شده باشد، چون مجاز است اقدامات قانونی لازم را برای محق شدن خواهان انجام دهد، نمی‌توان او را از گرفتن دستور موقت محروم کرد. همچنین اصطلاح «ذی‌نفع» به کار رفته در ماده ۳۱۰ و نیز مفاد مواد ۱۳۰، ۱۳۱ و ۱۳۲ ق.ج. که دال بر جاری بودن مقررات راجع به خواهان در خصوص وارد ثالث است، اطلاق داشته؛ فلذا شامل وارد ثالث تبعی نیز می‌باشد. دکتر شمس. آیین دادرسی مدنی. دوره پیشرفته. جلد سوم. شماره ۶۴۲.

۳۸- گزینه ۱ صحیح است.

*** رجوع کنید به ماده ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶ و ۱۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی.

به موجب ماده ۱۸۴ ق.ج. دادگاه پس از حصول سازش... مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید که مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود. طبق ماده ۱۸۵ ق.ج. در صورت عدم تحقق سازش، تعهدات و گذشت‌های به عمل آمده در هنگام تراضی به سازش لازم‌الرعایه است. اطلاق ماده حاکی از عدم تفاوت میان تعهدات و گذشت‌های به عمل آمده در دادگاه یا خارج از آن است. درخواست سازش نیز باید کتبی باشد (ماده ۱۸۶ ق.ج.) و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد (تبصره ماده ۱۹۳ ق.ج.). در مورد گزینه دوم نیز باید گفت که اگرچه درخواست صلح اقرار محسوب نمی‌شود (ماده ۷۵۵ ق.م). با این حال اگر اظهارات هر یک از طرفین در جریان مذاکرات اصلاحی دلالت بر اقرار نماید، اقرار مزبور لازم‌الرعایه است؛ حتی اگر مذاکرات منتهی به سازش‌نامه نشود. همچنین تفاوتی میان اقرار در دادگاه و یا خارج از آن وجود ندارد. بنابر توضیحات گفته شده؛ گزینه اول اشتباه می‌باشد.

۳۹- گزینه ۲ صحیح است.

*** رجوع کنید به ماده ۱۹۵ و ۱۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی.

در ماده ۱۹۵ ق.ج. بیان شده است که عقود و ایقاعات از حیث ادله اثبات تابع قانونی می‌باشند که در موقع انعقاد آن‌ها مجری بوده است و در ماده ۱۹۶ قانون مزبور آمده که دلایل اثباتی وقایع خارجی تابع قانونی هستند که در موقع طرح دعوا مجری می‌باشند. ابراء ایقاع و غصب یک واقعه حقوقی است. لذا گزینه دوم صحیح است.

۴۰- گزینه ۱ صحیح است.

*** مستند به ماده ۲۰ و ۲۱ قانون شوراهای حل اختلاف

«ماده ۲۰- رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد تابع مقررات قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری است.

تبصره ۱- اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است.

تبصره ۲- مقررات ناظر به وکالت، صدور رأی، واخواهی، تجدیدنظر و هزینه دادرسی، از حکم مقرر در ماده فوق مستثنی و تابع این قانون است.

ماده ۲۱- رسیدگی شورا تابع تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.»

حقوق تجارت

۴۱- گزینه ۲ صحیح است.

*** طبق ماده دوم لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو این که موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد؛ بنابراین گزینه اول صحیح نیست. همچنین طبق ماده سوم همین قانون، در شرکت سهامی

تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد. تنها شبهه‌ای که وجود دارد به واسطه‌ی ماده ۱۰۷ قانون در مورد شرکت‌های سهامی عام است؛ اما در مورد شرکت‌های سهامی خاص تردیدی وجود ندارد که حضور سه نفر برای تشکیل این شرکت کافی است؛ بنابراین گزینه سوم نیز صحیح نیست. ماده پنجم این قانون نیز بیان داشته است، در موقع تأسیس، سرمایه شرکت های سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکت های سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. با این اوصاف گزینه چهارم نیز صحیح نیست. اما گزینه دوم طبق ماده چهارم قانون که بیان می‌دارد: «شرکت هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین گردیده است. این گونه شرکت ها شرکت سهامی خاص نامیده می شوند.» پاسخ صحیح سؤال است.

۴۲- گزینه ۴ صحیح است.

***طبق ماده ۴۱ لایحه «در شرکت های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام بشود.» اما در شرکت‌های سهامی خاص این منع قانون‌گذار وجود ندارد و بنا به اصل صحت و مفهوم مخالف ماده مذکور می‌توان گفت که امکان اناطه صحت انتقال به موافقت مجمع عمومی یا هیئت مدیره وجود دارد.

۴۳- گزینه ۳ صحیح است.

***در ماده ۱ قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت آمده است: به‌منظور مشارکت عموم در اجرای طرح‌های عمرانی انتفاعی دولت مندرج در قوانین بودجه سالانه کل کشور و طرح‌های سودآور تولیدی و ساختمانی و خدماتی، به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و مؤسسه‌های عام‌المنفعه و شرکت‌های وابسته به دستگاه‌های مذکور و هم‌چنین شرکت‌های سهامی عام و خاص و شرکت‌های تعاونی تولیدی اجازه داده می‌شود طبق مقررات این قانون، قسمتی از منابع مالی مورد نیاز برای اجرای طرح‌های مذکور شامل منابع مالی لازم برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی را از طریق انتشار و عرضه عمومی اوراق مشارکت تأمین نمایند.

۴۴- گزینه ۱ صحیح است.

***ماده ۸۸ لایحه اصلاح قانون تجارت، صراحتاً نصاب لازم برای تصمیم‌گیری در مجمع عمومی عادی را بیان کرده است که بر اساس آن اصولاً تصمیمات با اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضر (اکثریت مطلق) اتخاذ می‌شود. این اصل کلی یک استثنای مهم دارد که آن هم مربوط به تصمیم‌گیری در خصوص انتخاب مدیران و بازرسان است. به این صورت که در این زمینه اکثریت نسبی آراء حاضر برای تصویب انتخاب مدیر کافی است. با توجه به لزوم تفسیر مضیق استثنائات، نمی‌توان این مورد را به عزل مدیران هم تسری داد. پس در مورد عزل بر خلاف انتخاب، همچنان اصل کلی (اکثریت مطلق) اجرا می‌شود.

۴۵- گزینه ۳ صحیح است.

***مطابق با نص صریح ماده ۱۲۶ ل.ا.ق.ت هیچ کس نمی‌تواند هم‌زمان در دو شرکت مختلف سمت مدیر عاملی داشته باشد. همچنین مطابق با ماده ۱۲۴ لایحه مدیر عامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیات مدیره نیز باشد مگر اینکه این امر را سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی عادی آن را تصویب کنند. در صدر ماده اخیر تأکید شده که مدیر عامل شرکت لزوماً باید شخص حقیقی باشد. مدیر عامل می‌تواند بیش از یک نفر باشد این حکم از عبارت «هیات مدیره باید اقلایک نفر شخص حقیقی...» به خوبی قابل استنباط است. بنابراین، مدت تصدی و حق الزحمه مدیر عامل را هیات مدیره مشخص می‌کند و مجامع عمومی یا اساسنامه از این حیث فاقد اثر هستند.

۴۶- گزینه ۲ صحیح است.

***طبیعتاً مطابق با ماده ۱۴۴ لایحه اصلاحی انتخاب بازرسان اصلی از جمله وظایف و اختیارات مجمع عمومی است. وجود بازرسان اصلی به خاطر نقش نظارتی وی در شرکت های سهامی (عام و خاص) اجباری است. به همین دلیل تبصره همین ماده عزل بازرسان را مشروط به تعیین جانشین برای ایشان کرده است. ماده ۱۴۶ ل.ا.ق.ت نیز با لفظ «باید...» به نوعی تأکید بر لزوم انتخاب بازرسان علی‌البدل دارد و منطقی و عملاً نیز این امر درست است زیرا هر آن امکان معذوریت، فوت، استعفا و سلب شرایط از ایشان وجود دارد که در این صورت لاجرم شخصی باید جانشین بازرسان شود.

۴۷- گزینه ۱ صحیح است.

***ماده ۱۵۸ لایحه طرقي را برای تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید پیش بینی کرده است و درباره برخی از این راهکارها قائل به محدودیت‌هایی شده است. تبصره دو همین ماده بصورت مطلق انتقال اندوخته قانونی به سرمایه را در اقسام شرکت های سهامی (عام و خاص) ممنوع کرده است و دلیل آن اساساً فلسفه و مبنای ایجاد اندوخته قانونی است. از سوی دیگر بنا بر تبصره یک فقط در شرکت سهامی خاص می‌توان تأدیه مبلغ اسمی سهام را به صورت غیر نقد انجام داد؛ امری که فقط مربوط به قسمتی از مبلغ اسمی نیست. بدین سان که می‌توان پرداخت تمام مبلغ اسمی سهام را غیر نقد اعمال کرد.

۴۸- گزینه ۱ صحیح است.

*** به ماده ۲۴۱ لایحه اصلاحی ۱۳۹۵/۲/۲۰ مراجعه شود. ماده مذکور بدین شرح اصلاح گردیده است «با رعایت شرایط مقرر در ماده (۱۳۴) نسبت معینی از سود خالص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیأت مدیره در نظر گرفته شود، به هیچ وجه نباید در شرکت‌های سهامی عام از سه درصد (۳٪) و در شرکت‌های سهامی خاص از شش درصد (۶٪) سودی که در همان سال به صاحبان سهام قابل پرداخت است، تجاوز کند. در هر حال این پاداش نمی‌تواند برای هر عضو موظف از معادل یک سال حقوق پایه وی و برای هر عضو غیرموظف از حداقل پاداش اعضای موظف هیأت مدیره بیشتر باشد. مقررات اساسنامه و هرگونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد، باطل و بلااثر است.»

۴۹- گزینه ۴ صحیح است.

*** گزینه اول اشتباه است و ناظر به شرکت‌های نسبی است. ماده ۱۸۳ قانون تجارت بیان می‌دارد: «شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین دو یا چند نفر تشکیل و مسؤولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه ای است که در شرکت گذاشته.» گزینه دوم اشتباه است و مفید مسؤولیت شرکا نسبت به دیون شرکت است که در شرکت‌های با مسؤولیت محدود چنین چیزی وجود ندارد. گزینه سوم نیز ناظر به شرکت‌های تضامنی است. ماده ۱۱۶ قانون تجارت بیان می‌دارد: «شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسؤولیت تضامنی تشکیل می‌شود، اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسؤول پرداخت تمام قروض شرکت است.» اما گزینه چهارم بر طبق نص ماده ۹۴ قانون تجارت که بیان می‌دارد: «شرکت با مسؤولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد - فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسؤول قروض و تعهدات شرکت است.» صحیح است؛ البته نحوه انشا این ماده گمراه‌کننده است و منظور ماده این است که شرکا فقط تا همان میزانی که در شرکت سرمایه‌گذاری کرده‌اند مسؤولیت دارند و در صورت ورشکستگی شرکت فقط همان آورده اولیه‌شان از بین می‌رود؛ در واقع شرکا شرکت با مسؤولیت محدود نسبت به دیون شرکت هیچ مسؤولیتی ندارند.

۵۰- گزینه ۱ صحیح است.

*** باید اشاره کرد که معامله مدیران با اشخاص ثالث در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عمومی عادی تصویب نشود معتبر است مگر در شرایط تدلیس و تقلب اما اگر معامله مدیران با شرکت را هیأت مدیره اجازه نداده باشد و مجمع هم تصویب نکند از جانب شرکت سهامی آن معامله قابل ابطال است. مستند ماده ۱۳۰ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت (معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت برعهده هیأت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن را داده اند که همگی آنها متضامناً مسؤول جبران خسارات وارده معامله به شرکت می‌باشند.) در ماده ۱۳۱ قانون فوق الذکرهم آمده (در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ این قانون بدون اجازه هیأت مدیره صورت گرفته باشد هرگاه مجمع عمومی عادی شرکت آنها را تصویب نکند آن معاملات قابل ابطال خواهد بود و شرکت می‌تواند تا سه سال از تاریخ انعقاد معامله و در صورتی که معامله مخفیانه انجام گرفته باشد تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند...).

۵۱- گزینه ۳ صحیح است.

*** در خصوص مبلغ برات باید گفت که اولاً مطابق با بند ۴ ماده ۲۲۳ ق.ت تعیین مبلغ برات از شرایط اساسی تنظیم برات است و عدم درج آن، سند را از قالب تجاری بودن خارج می‌کند. ثانیاً در صورت اختلاف مبلغ عددی و حروفی مبلغ به حروف ملاک عمل است و اگر بین دو مبلغ عددی یا دو مبلغ حروفی اختلاف باشد، مبلغ کمتر مناط اعتبار است. مساله دیگر اینکه نتیجه منطقی ماده ۲۲۴ ق.ت آن است که صادر کننده برات عند الاقتضاء می‌تواند دارنده برات نیز قرار بگیرد. النهایه در خصوص نقش امضا و مهر در برات باید گفت که بر خلاف چک - که لزوماً باید حاوی امضای صادر کننده باشد (نظریه مشورتی ش ۷/۷۰۰۷) - در برات درج یکی از امضا یا مهر صادر کننده کافی می‌باشد. (هم چنین ر.ک صدر ماده ۲۲۳ ق.ت و مواد ۳۰۸ و ۳۱۱ ق.ت)

۵۲- گزینه ۲ صحیح است.

*** در ضمانت تجاری ذکر نام مضمون عنه و همچنین درج تاریخ ضمانت ضرورت ندارد. در صورت عدم ذکر نام مضمون عنه قانون ایران برای تعیین مضمون عنه ساکت است اما حقوقدانان راه حل مذکور در ماده ۳۱ قانون یکنواخت ژنو را پذیرفته اند که بنا بر آن در چنین فرضی ضامن با صادر کننده سند تجاری مسؤولیت تضامنی دارد. در خصوص تاریخ ضمانت هم باید گفت که اگر ضمانت متضمن تاریخ نباشد، تاریخ صدور برات تاریخ ضمانت محسوب می‌شود. بنابراین عدم ذکر هیچ یک از این موارد خللی به صحت ضمانت وارد نمی‌کند.

۵۳- گزینه ۲ صحیح است.

*** درست است که با عدم اعتراض در مهلت قانونی حق اعتراض نسبت به ظهرنویسان از بین می رود اما از آن جهت که صادرکننده مدیون اصلی سند تجاری است حق رجوع به او از دست نمی رود و طبق قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت هم ضامن با کسی که از وی ضمانت کرده است مسئولیت تضامنی دارد پس به هر دو می تواند رجوع کند.

۵۴- گزینه ۱ صحیح است.

***طبق ماده ۲۷۱ قانون تجارت «شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است.» اما این ماده مقید به ماده ۲۷۲ همین قانون است که بیان می‌دارد: «اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهرنویسها بری الذمه می شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها به عمل آید ظهرنویسهای بعد از او بری الذمه اند.» با این اوصاف شخص ثالث تنها در حدود مقررات ماده ۲۷۲ دارای حقوق و وظایف دارنده برات می‌شود.

۵۵- گزینه ۱ صحیح است.

***باید دانست که طبق ماده ۲۳۳ قانون تجارت «اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می‌شود ولی معهدا قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته، مسؤؤل پرداخت وجه برات است.» ماده ۲۳۷ همین قانون در مورد ضمانت اجرای نکول برات از سوی برات‌گیر می‌نویسد: «پس از اعتراض نکول، ظهرنویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات، باید ضامنی برای تأدیه وجه آن در سر وعده بدهند یا وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض‌نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تأدیه نمایند.» طبق ماده مذکور دارنده باید ابتدا به ساکن پس از نکول برات تقاضای ضامن کند و در صورت ندادن ضامن، دین دارنده حال می‌شود. اما برات‌گیر فقط در حدود شرط مسئول است و در راستای خود برات ضامن نیست. از این جهت دارنده نمی‌تواند قبل از تحقق شرط از وی ضامن مطالبه کند.

۵۶- گزینه ۴ صحیح است.

*** برخی حقوقدانان مانند دکتر ستوده و اسکینی معتقدند که چکی که عبارت «حواله کرد» در آن قلم خورده است قابل انتقال به غیر از طریق ظهرنویسی نیست و مزایای ظهرنویسی در آن رعایت نمی‌شود. اما اساتیدی چون دکتر اخلاقی استدلال کرده اند که بنا به اطلاق قسمت اخیر ماده ۳۱۲ ق.ت، چک در هر حال با ظهرنویسی منتقل می‌گردد. رویه قضایی از این حیث تشتت کمتری دارد. نظر اکثریت قضاات بر آنست که قلم خوردگی عبارت به «حواله کرد» مانع انتقال نیست و اقلیت را رای بر آنست که چنین انتقالی مشمول عنوان تجاری نبوده و صرفاً انتقالی مدنی محسوب می‌گردد. در آراء شورای عالی ثبت و محاکم ذی مدخل هم اکثریت معتقدند می‌توان چنین چکی را با ظهرنویسی مشمول قانون تجارت منتقل نمود و از حقوق دارنده برخوردار شد. (ر.ک نظریه ش ۷/۶۷۵۹ مورخ ۱۳۶۷، ش ۷/۱۱۴۳ مورخ ۱۳۵۷۷ همچنین آراء ۱۰۲۶ و ۱۰۲۷ مورخ ۱۳۷۰ شعبه ۴۴ دادگاه حقوقی ۲ تهران و رای ش ۱۳۴۲ مورخ ۱۳۷۵ شعبه ۵ دادگاه عمومی تهران)

۵۷- گزینه ۲ صحیح است.

***دارنده چک می تواند از سه مجرای قانونی (اداره ثبت، شکایت کیفری و دادخواست حقوقی) مبادرت به پیگیری و وصول وجه چک نماید. در خصوص تعقیب وصول وجه از طریق دواير ثبت ذکر چند نکته مهم لازم است. نمی توان علیه ظهرنویسان و ضامنین درخواست صدور اجرائیه نمود. در مراجعه به دواير اجرای ثبت رعایت مواعد مندرج در قانون صدور چک الزامی نیست. مطابقت امضای منعکس در چک با نمونه امضای موجود در بانک شرط صدور اجرائیه است. چنانچه شخص بخواهد از طریق دایره ثبت مطالبه وجه چک را پیگیری نماید باید لاشه چک را به دایره مزبور مسترد نماید. اگر چک به نمایندگی یا وکالت صادر شده باشد، اجرائیه به نحو تضامن علیه صادر کننده (وکیل یا نماینده) و صاحب حساب صادر می‌شود.

۵۸- گزینه ۴ صحیح است.

*** وصف تجریدی اسناد تجاری، دو نتیجه در پی دارد اول اصل عدم استناد ایراد تعهد منشا در برابر دارنده مع الواسطه با حسن نیت و دیگری اصل مدیونیت صادرکننده سند. در این سوال هم دارنده مع الواسطه است بنابراین در هر دو چک ایراد در برابر او قابلیت استناد ندارد.

۵۹- گزینه ۱ صحیح است.

***در این مسئله الف صادر کننده چک می باشد بنابراین مسئول می باشد شخص ب و ج نیز ظهرنویس می باشند و مسئول می باشند. نکته مسئله آن است که شخص د دارنده با حسن نیت محسوب نمی گردد ولی با توجه به اینکه سند را از ج که دارنده با حسن نیت محسوب می گردد دریافت نموده است، د در حکم دارنده با حسن نیت می باشد. به کتاب حقوق اسناد تجاری دکتر کاویانی ص ۱۵۵ مراجعه شود.

۶۰- گزینه ۱ صحیح است.

*** ماده ۲۸۶ ق.ت در مورد مهلت های اقامه دعوی برای دارنده براتی است که در ایران یا خارج از آن باید تادیه شود. اگر برات باید در ایران تادیه شود دارنده باید ظرف مهلت یک سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. در خصوص زمان احتساب این مهلت باید گفت که با توجه به اینکه در ماده ۲۸۶ ق.ت به «تاریخ اعتراض» اشاره شده و مواد ۲۹۳ و ۲۹۴ ق.ت به ابلاغ و احواس نامه اشاره ای نکرده اند، باید همان تاریخ اعتراض یا تاریخ و احواس را به عنوان مبدا، معیار برای تقدیم دادخواست تلقی نمود زیرا در هیچ یک از مواد مربوطه اشاره ای به تاریخ ابلاغ و احواس نامه به عنوان مبدا احتساب مهلت نشده است. (نظریه اداره حقوقی مورخ ۱۳۴۴/۷/۱۱)

اصول استنباط حقوق اسلامی

۶۱- گزینه ۴ صحیح است.

*** به قرینه خارج کننده لفظ از معنای حقیقی به معنای مجازی «قرینه صارفه» گفته می شود. این قرینه را از آن رو صارفه می گویند که لفظ را از معنای حقیقی خود به معنای مجازی منصرف می کند. یکی از شروط استعمال مجازی وجود قرینه صارفه است؛ بنابراین برای پاسخ به سؤال فوق باید جایی را پیدا کنیم که مصداق استعمال مجازی نباشد. در گزینه اول استعمال لفظ دادگاه به مراجع حل اختلاف اداری، یک استعمال مجازی است؛ زیرا حقیقت این است که مراجع اداری از مراجع قضائی خروج موضوعی دارند و دو مفهوم متباین هستند. لفظ ید نیز به معنای دست است و استعمال آن در معنای تصرف مجاز است. محکمه نیز حقیقت در مکان است نه شخص قاضی. اما در گزینه چهارم لفظ حقوق مشترک لفظی است و دستمزد یکی از معانی آن است. در این مورد قرینه معینه نیاز است نه قرینه صارفه.

۶۲- گزینه ۲ صحیح است.

*** معنای حقیقی قیم، کسی را شامل می شود که دارای سمت قیمومت باشد. لذا استعمال لفظ قیم پس از انتفای حجر و سمت قیمومت مجاز است و چون این وصف در گذشته موجود بوده است و پس از مدتی زایل شده است علاقه آن «ماکان» می باشد.

۶۳- گزینه ۴ صحیح است.

*** وضع تعینی عبارت است از اینکه لفظی در معنایی دیگر، یعنی در غیر از معنای موضوع له، با قرینه مناسبی به کار برود و به اصطلاح به طور مجاز استعمال شود و به قدری این استعمال زیاد شود که پس از چندی هر وقت آن لفظ بدون قرینه به کار برده شود همین معنای دوم فهمیده شود. به عبارت دیگر وضع تعینی یا تخصیصی در اثر جعل و قرار دادن و انشاء واضع به وجود می آید و وضع تعینی یا تخصیصی در اثر کثرت استعمال به وجود می آید. به علاوه وضع تعینی گاهی در اثر جعل و قراردادن و انشاء صریح واضع به عمل می آید و گاهی در اثر انشاء ضمنی.

۶۴- گزینه ۴ صحیح است.

*** اصاله العموم و اصاله الاطلاق یکی از اصول معتبر لفظی هستند که در حجیت آن ها اختلافی نیست و مبنای این حجیت بنای عقلاست که مورد رد شارع قرار نگرفته است.

۶۵- گزینه ۳ صحیح است.

*** امر دلالت بر وجوب دارد در صورت عدم وجود قرینه ظاهر در وجوب است اما در برخی موارد صیغه امر دلالتی بر الزام و وجوب ندارد که از آن جمله می توان به امری که پس از منع، صادره شده اشاره کرد. توضیح این که هرگاه انجام کاری از سوی شارع یا قانون گذار ممنوع و از آن نهی شده باشد و پس از آن مدتی در همان مورد امری صادر گردد بنا بر نظر مشهود این امر دلالت بر وجوب ندارد؛ بلکه به معنای رفع و برداشتن (ترخیص) منع قبلی است (در صورتی که در گزینه ها، گزینه «ترخیص» وجود نداشته باشد، گزینه «اباحه» صحیح خواهد بود).

۶۶- گزینه ۳ صحیح است.

*** چون حکم مقنن در ماده وجوب است، حکم از احکام تکلیفی خواهد بود و چون وجوب آن مشروط به وجوب شرطی در نسبت با تعدد وراثت غیر موافق است از نوع واجب مشروط است و چون منقول یا غیر منقول بودن مال دخیلی به تحول حکم ندارد نسبت به آن مطلق است.

۶۷- گزینه ۱ صحیح است.

***واجب مضیق، از اقسام واجب موقت و مقابل واجب موسع بوده و به واجبی گفته می‌شود که زمان تعیین شده برای آن به اندازه نفس عمل و انجام دادن آن می‌باشد، مانند: روزه که زمان آن از آغاز طلوع فجر تا غروب آفتاب است. در **گزینه دوم** لزوم پرداخت جزای نقدی در پایان هر ماه مصداق واجب موسع است زیرا زمان پرداخت بسیار کوتاه‌تر از زمانی است که مقنن برای پرداخت جزای نقدی پیش‌بینی کرده است. محکوم مکلف است جزای نقدی روزانه را ظرف ده روز از پایان هر ماه بپردازد. در **گزینه چهارم** نیز پرداخت نصف دیه در هر سال به همین نحو واجب موسع است. در **گزینه سوم** با واجب غیرموقت روبرو هستیم زیرا مقنن مهلتی برای تسلیم مال توسط غاصب معین نکرده است. البته می‌توان لزوم بازگرداندن مال مغضوب را با توجه به مستندات فقهی واجب فوری غیرموقت دانست. **گزینه اول** به دلیل اینکه زمان تعیین شده برای آن به اندازه نفس عمل می‌باشد و ساعات مندرج در حکم در واقع مدت زمان انجام خود واجب است، از مصادیق واجب مضیق به شمار می‌آید.

۶۸- گزینه ۳ صحیح است.

***امر و نهی هر دو نه بر مره و نه بر تکرار دلالت ندارند؛ بنابراین **گزینه اول** صحیح نیست. همچنین امر و نهی هر دو دلالت بر فور یا تراخی ندارند؛ بنابراین **گزینه دوم** نیز پاسخ صحیح نمی‌باشد. هر دوی آن‌ها از اقسام انشائیات هستند و نه اخباریات؛ بنابراین **گزینه چهارم** نیز صحیح نیست؛ اما **گزینه سوم** به وجه افتراق امر و نهی اشاره می‌کند؛ امر به صرف اطاعت از یک مصداق امتثال می‌شود، اما امتثال نهی مستلزم ترک تمام مصادیق است.

۶۹- گزینه ۲ صحیح است.

***نهی در معاملات فی نفسه دلالت بر بطلان ندارد؛ اما در برخی موارد نهی مستلزم فساد است. گاهی نهی مبین شرایط موانع و اجزا عقد و معامله می‌باشد، در این صورت مخالفت با آن موجب فساد و بطلان است. هم چنین گاهی نتیجه و حاصل عملی مورد نهی قانون‌گذار قرار می‌گیرد در این صورت مخالفت با نهی موجب بی ارزش بودن، فساد و بطلان آن عمل خواهد بود. اما در صورتی که نهی زمینه‌ساز وقوعی دیگری را ایجاد کند یا به عملی که همراه و مقارن با معامله اتفاق افتاده، تعلق گرفته باشد، موجب فساد و بطلان نیست.

۷۰- گزینه ۲ صحیح است.

***صیغه دال بر طلب ترک فعل، را نهی گویند. صیغه نهی ظهور در حرمت و فساد دارد و از اقسام انشا است. در علم اصول یکی از مسائلی که در بحث اوامر و نواهی مطرح بوده و هست؛ این است که اگر امر و نهی‌ای از طرف شارع به ما رسیده، آیا این امر و نهی به خودی خود یک بار، یا علی‌الدوام دلالت بر انجام و یا ترک آن کار دارند؛ یعنی با انجام یک مرتبه و ترک یک بار، امر و نهی شارع اطاعت می‌شود یا نه. این مسئله در میان اصولی‌ها مورد اختلاف است. برخی بر آنند که امر و نهی با خودشان تکرار را به همراه دارند. گروهی می‌گویند که دلالت بر یک مرتبه می‌کنند. اما برخی می‌گویند اساساً امر و نهی دلالت بر هیچ کدام ندارند، نه یک بار و نه چند بار، بلکه دلالت بر طبیعت فعل دارند. صاحب کتاب اصول استنباط عقیده دارد که امر و نهی هیچ کدام دلالت بر مره و تکرار ندارند. (ش. ۷۴) اما فعل منهی عنه باید به صورت دائمی و مستمر ترک شود؛ چون نهی دلالت بر ترک ماهیت منهی عنه می‌کند و ترک ماهیت به ترک جمیع افراد آن است؛ یعنی نهی به تعداد افراد طبیعت تعلق می‌گیرد و هر فرد از افراد طبیعت، معصیت مخصوص به خود را دارد، نه آن که صیغه نهی دلالت بر تکرار و تأکید کند.

۷۱- گزینه ۴ صحیح است.

***مفهوم موافق در مقابل مفهوم مخالف قرار دارد و آن مدلول التزامی منطوق کلام است که باعث سرایت حکم منطوق، به موضوع دیگری که در کلام آورده نشده است، می‌گردد. مفهوم موافق دو قسم است: گاهی علت حکم در مفهوم قوی‌تر و شدیدتر از علت حکم در منطوق است که آن را قیاس اولویت می‌گویند و گاهی چنین نیست و قضیه یک قیاس ساده اصولی یا تمثیل منطقی است. در مسئله مطروحه منطوق ماده ۲۲۲ صرفاً به تصویر یا رونوشت اسناد اشاره دارد و در مورد اصول اسناد ساکت است؛ اما از آنجا که علت حکم در مفهوم قوی‌تر از علت حکم در منطوق است ممنوعیت آن نیز برداشت می‌شود.

۷۲- گزینه ۱ صحیح است.

***اصولیون معتقدند که عدد مفهوم ندارد مگر در جایی که قرینه‌ای وجود داشته باشد و از جمله قرائن آن است که بدانیم گوینده درصدد بیان حد و اندازه حکم است. در **گزینه دوم** عدد دو نشان از حد و اندازه حکم دارد، اصولاً هر کجا که به نظر برسد مقنن در مقام بیان حد و اندازه است آن عدد مفهوم دارد و فرقی نمی‌کند عدد متعلق یا موضوع حکم باشد. در **گزینه سوم** نیز لفظ سه مفهوم دارد. در **گزینه چهارم** نیز همان طور که استحضار دارید حق شفعه بنا به قراین فقهی فقط بین دو نفر ممکن است رخ بدهد و از این لحاظ مفهوم دارد.

۷۳- گزینه ۱ صحیح است.

*** در دلالت تنبیه و ایفاء کلام دارای قیدی است که به نظر می رسد آن قید علت حکم باشد در غیر این صورت نباید آن قید در کلام ذکر می شد. در نتیجه اگر لعان علت حکم عدم توارث نبود نباید در نص قانون ذکر می شد.

۷۴- گزینه ۲ صحیح است.

*** همان طور که مستحضر هستید اجمال مخصّص تنها در یک صورت به عام سرایت نمی کند و آن فرض اجمال مفهومی مخصّص منفصل بین اقل و اکثر است. در سایر فروض اجمال به عام سرایت می کند؛ معنی اینکه می گوئیم اجمال به عام سرایت می کند این است که نمی توان به کمک عموم عام حکم داد که مورد شبهه داخل در حکم عام است یا خیر و باید به ادله دیگر در این باب توجه شود. وقتی اجمال به عام سرایت کند می توان با استناد به اصالت العموم شبهه را بر طرف کرد و مورد شبهه یعنی اکثر را مشمول حکم مندرج در عام دانست؛ بنابراین تنها در فرض **گزینه دوم** است که می توان قائل به استناد به اصالت العموم شد.

۷۵- گزینه ۳ صحیح است.

*** به عقیده اکثر اصولیون چون مفهوم مخالف هم دلیل و حجت است و ملاک تخصیص جمع عرفی بین دو دلیل است، از این رو مفهوم مخالف می تواند عام را تخصیص دهد. در مسئله مطروحه ماده ۱۲۸۷ قانون مدنی عام و ماده ۹۹۹ قانون مدنی خاص است. ماده ۹۹۹ مفهوم مخالفی دارد و آن اینک: «سند ولادت اشخاصی که ولادت آنها در مدت قانونی به دایره سجل احوال اظهار نشده سند رسمی نیست.» با این اوصاف باید گفت که مفهوم مخالف ماده ۹۹۹ با عموم ماده ۱۲۸۷ متعارض است و به عقیده بیشتر اصولیون آن را تخصیص می دهد.

۷۶- گزینه ۴ صحیح است.

*** در عام مجموعی جمیع افراد عام مدنظر مقنن یا شارع است؛ به نحوی که حتی اگر یک مخالفت با حکم عام صورت بگیرد دیگر آن حکم متابعت نگردیده است. این نوع از عام معمولاً با عبارت **جمیع و تمام** شناخته می شود. اما باید توجه داشته باشید که این قاعده همیشگی نیست و در **گزینه اول** که دام آموزشی این سؤال بوده است به عمد این دو واژه آمده است؛ اما در این ساختار هیچ کدام مفید عام مجموعی نیست. در این مسئله گزینه چهارم که اقتباسی از ماده ۴۳۳ قانون مجازات اسلامی است مفید عام مجموعی است به این معنا که رضایت مجموع اولیای دم است که باعث می شود قصاص منتفی شود و گرنه حتی اگر یک نفر هم گذشت نکند وی می تواند با پرداخت مازاد دیه قصاص را انجام دهد و بدین لحاظ قصاص منتفی نمی شود.

۷۷- گزینه ۱ صحیح است.

*** تلازم اطلاق و تقييد، عنوان دیگر امکان اطلاق و تقييد به عنوان یکی از مقدمات حکمت می باشد. اطلاق و تقييد، تقابل عدم و ملکه است و قابلیت تقييد شرط اطلاق است. به عبارت دیگر اطلاق گرفتن در باب یک چیز مستلزم قابلیت اطلاق و تقييد در آن مورد است.

۷۸- گزینه ۴ صحیح است.

*** گاهی بین یک حکم مطلق و یک حکم مقید تنافی پیش می آید؛ یعنی اجرای هر کدام سبب نقض دیگری می شود. در این شرایط باید مطلق را بر مقید حمل کرد و به بیان دیگر مطلق را مقید کرد.

در قضیه مطروحه نیز می بایست از اطلاق ماده ۲۱۲ دست کشید و فقط معامله صغیر غیرممیز را باطل دانست.

۷۹- گزینه ۱ صحیح است.

*** هرگاه لفظی بیان شود که برخی مصادیق آن بیشتر از مصادیق دیگر باشد و در ابتدا ذهن آدمی به سمت کثیرالوجود متمایل شود ولی با تامل بیشتر ذهن متوجه افراد قلیل الوجود نیز شود؛ در این حالت «انصراف بدوی» یا کثرت وجود حاصل شده است که مانع اطلاق نیست.

۸۰- گزینه ۲ صحیح است.

*** تاخیر بیان از وقت خطاب جایز است ولی تاخیر بیان از وقت حاجت جایز نیست. گفتنی است که صدور حکم به اجمال اگر تا قبل از هنگام عمل، اجمال آن برطرف شود جایز است ولی اگر تا قبل از هنگام عمل توضیحی مبنی بر رفع اجمال حکم نرسد صدور حکم به طور اجمال درست نیست.

حقوق جزای عمومی و اختصاصی

۸۱- گزینه ۲ صحیح است.

*** به موجب ماده ۱ ق.م.ا: "قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرائم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی، شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است." در قانون جدید مجازات اسلامی مجازات‌های بازدارنده از انواع مجازات‌ها حذف شده است.

۸۲- گزینه ۳ صحیح است.

بر اساس متن ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، در صورت تخفیف مجازات به موجب قانون لاحق محکوم می‌تواند تقاضای تخفیف کند و دادگاه صادر کننده حکم مکلف به تخفیف است. هم چنین این مورد که در ماده ۲۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری از موارد اعاده دادرسی بود به موجب ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی نسخ ضمنی شده است.

۸۳- گزینه ۴ صحیح است.

*** براساس بند ب ماده ۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ که در خصوص صلاحیت شخصی منفعل است صلاحیت محاکم ایران در این مورد مشروط به جرم بودن رفتار مرتکب در ایران و محل وقوع جرم (در این مسئله آلمان) است.

۸۴- گزینه ۱ صحیح است.

*** به موجب ماده ۳۷ ق.م.ا: "در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند: الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال ت- تقلیل سایر مجازات‌های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر"

۸۵- گزینه ۱ صحیح است.

*** مطابق ماده ۴۴ ق.م.ا. در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه در مدت تعویق، قاضی می‌تواند برای یک بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند.

۸۶- گزینه ۴ صحیح است.

*** ماده ۵۷؛ در حبسهای تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادر کننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه آزادی قرار دهد. همچنین محکوم می‌تواند در طول دوره تحمل مجازات در صورت دارا بودن شرایط قانونی، صدور حکم نیمه آزادی را تقاضا نماید و دادگاه موظف به رسیدگی است. توجه شود که برای درخواست صدور حکم نیمه آزادی، موعدی پیش بینی نشده است.

۸۷- گزینه ۴ صحیح است.

*** طبق تبصره ۲ م ۸۸ ق.م.ا اگر نابالغی مرتکب جرایم مستوجب حد یا قصاص شود و سن او ۱۲ تا ۱۵ سال قمری باشد، به یکی از بندهای ت یا ث م ۸۹ محکوم می‌شود. اخطار و تذکر یا اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم تکرار جرم از موارد بندهای ت یا ث م ۸۹ می‌باشد.

۸۸- گزینه ۲ صحیح است.

*** گزینه ۱: در همه جرایم صرف ادعای توبه مسقط مجازات نیست. رجوع به مواد ۱۱۴ و ۱۱۵

گزینه ۲: رجوع به ماده ۱۱۹

گزینه ۳: رجوع به ماده ۱۱۷، تظاهر به توبه در جرایم تعزیری موجب محکومیت به حداکثر مجازات است.

گزینه ۴: دادگاه می‌تواند تخفیف دهد. رجوع به ماده ۱۱۵.

۸۹- گزینه ۴ صحیح است.

*** طبق بند پ م ۱۲۲ ق.م.ا. شلاق حدی دارای مجازات شروع به جرم است و برای شلاق تعزیری مجازات شروع به جرم پیش بینی نشده است.

۹۰- گزینه ۴ صحیح است.

*** در حال حاضر، شرکت در جرم در تمامی جرایم طبق حقوق جزای ایران پذیرفته شده است که قاعده کلی آن در ماده ۱۲۵ ق.م.ا بیان گردیده است و اعمال مجازات حدود و قصاص و دیات در مورد شرکت با رعایت مواد خاص خود در ق.م.ا انجام می‌گیرد.

۹۱- گزینه ۴ صحیح است.

با توجه به تبصره ۲ ماده ۲۲۴ و ماده ۲۳۱ رضایت به زنای ناشی از تهدید، در حکم زنا به عنف است و زانی، علاوه بر مجازات اعدام به پرداخت مهرالمثل محکوم خواهد شد همچنین در صورت بکارت زن، محکوم می بایست ارش البکاره نیز بپردازد. در مساله فوق، بزه دیده، باکره نبود.

۹۲- گزینه ۱ صحیح است.

** ر.ک تبصره ۲ ماده ۲۴۲ ق.م.ا: " حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیراین صورت عامل، مستوجب تعزیر مقرر در ماده (۲۴۴) این قانون است ". و همین طور تبصره ۲ از همان ماده: " در قوادی، تکرار عمل شرط تحقق جرم نیست ".

۹۳- گزینه ۳ صحیح است.

** ر.ک متن ماده ۲۶۳ ق.م.ا: " هرگاه متهم به سب، ادعاء نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است ساب النبی محسوب نمی شود؛ " با انضمام این نکته که در تبصره این ماده برای چنین فرضی، حتی تعزیر هم پیش بینی نشده است.

۹۴- گزینه ۳ صحیح است.

چون نوزاد به دنیا آمده و قابلیت زیست داشته و سپس ضربات منجر به مرگ وی شده سقط جنین منتهی و عمل مشمول قتل است. با توجه به اینکه پرویز نسبت به جنین و نوزاد نه قصد فعل داشته و نه قصد نتیجه عمل وی نسبت به نوزاد خطای محض است.

۹۵- گزینه ۱ صحیح است.

** طبق م ۲۹۷ ق.م.ا اگر کسی با یک ضربه بر عضو فردی به طور عمدی جنایتی وارد نماید که آن جنایت منتهی به مرگ شود با توجه به وجود سایر شرایط آن قتل عمدی است و مرتکب فقط قصاص نفس می شود

۹۶- گزینه ۱ صحیح است.

** با توجه به اینکه ارزش مال مسروق در زمان خروج از حرز ملاک است، در مورد اسناد تجاری و اوراق بهادار چون دارای ارزش ذاتی در زمان خروج از حرز نیستند، مشمول سرقت حدی نمی شود. رجوع به میر محمد صادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت، ص ۳۱۴

۹۷- گزینه ۲ صحیح است.

** ر.ک مواد ۲۰۳ و ۲۰۲ و ۲۰۸ ق.م.ا. تغلیط قسم مشروط به قبول اداکننده سوگند می باشد.

۹۸- گزینه ۳ صحیح است.

به موجب ماده ۱۹۳ ق.م.ا: " جرح شاهد شرعی باید پیش از ادای شهادت به عمل آید مگر آنکه موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود. در این صورت، جرح تا پیش از صدور حکم به عمل می آید و در هر حال دادگاه مکلف است به موضوع جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند."

۹۹- گزینه ۴ صحیح است.

** مطابق ماده ۱۳۶ هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است. بنابراین اجرای مجازات شرب خمر نمی تواند مبنایی برای مجازات اعدام برای زنا در بار چهارم باشد. از سوی دیگر مطابق ماده ۱۳۲، در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

۱۰۰- گزینه ۳ صحیح است.

** طبق ماده ۱۴۳ ق.م.ا اصل بر مسوولیت شخص حقیقی است و اگر نماینده یک شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن شخص مرتکب جرمی شود، شخص حقوقی نیز دارای مسوولیت کیفری می باشد.

آیین دادرسی کیفری

۱۰۱- گزینه ۲ صحیح است.

** ماده ۱۲- تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت

۱۰۲- گزینه ۲ صحیح است.

*** به استناد ماده ۲۵ ق.آ.د.ک به تشخیص رئیس قوه قضائیه، دادرهای تخصصی از قبیل دادرای جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیر نظر دادرای شهرستان تشکیل می شود.

۱۰۳- گزینه ۲ صحیح است.

***ر.ک ماده ۴۹: به محض آنکه متهم تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به دادرای محل اعلام می شود.

۱۰۴- گزینه ۴ صحیح است.

***ر.ک ماده ۷۰: «در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است و بزه دیده، محجور می باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی ندارد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می آورد. این حکم در مواردی که بزه دیده، ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشد نیز جاری است ...».

۱۰۵- گزینه ۲ صحیح است.

*** در مواردی که دادستان امر تحقیق را به دادیار ارجاع می دهد، « قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تامین منتهی به بازداشت» باید به نظر و موافقت دادستان برسد. منظور از « قرارهای نهایی دادیار»، قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب، توقف تحقیقات و جلب به دادرسی است. منظور از «قرارهای تامین منتهی به بازداشت» نیز قرار بازداشت موقت و نیز قرار کفالت یا وثیقه ای است که به لحاظ عجز متهم از معرفی وکیل یا وثیقه منجر به بازداشت متهم شده است. به استناد ذیل ماده ۹۲ ق.آ.د.ک، کتاب نکته ها در ق.آ.د.ک

*** صدور قرار ترک تعقیب از اختیارات دادستان، قرار بایگانی پرونده از اختیارات قاضی دادگاه و قرار تعلیق تعقیب حسب مورد از اختیارات دادستان یا قاضی (در مواردی که پرونده مستقیماً در دادگاه مطرح می شود که منظور جرایم تعزیری درجه هفت و هشت است) است. این قرارها توسط دادیار صادر نمی شود.

*** با توجه به اصل سلسله مراتب دادرای که لزوم تبعیت دادیار از دادستان را به دنبال دارد، در صورت عدم موافقت دادستان با قرارهای مذکور در فوق، نظر دادستان باید رعایت و توسط دادیار به همانگونه عمل شود.

۱۰۶- گزینه ۱ صحیح است.

*** به موجب تبصره ماده ۲۳۷ ق.آ.د.ک موارد بازداشت موقت الزامی، موضوع قوانین خاص، به جز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون ملغی است.

*** نکته قابل توجه این است که برخی از موارد موضوع این تبصره، جزء مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند (مانند قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷) و شورای نگهبان نیز طی تفسیر قابل تأملی به شماره ۵۳۱۸ مورخ ۷۲/۷/۲۴ اعلام نموده است: « هیچ یک از مراجع قانونگذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد، اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده، مجلس پس از گذشت زمان معتدّ به که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد و مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام رهبری به مجمع ارسال شده باشد، در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت وی، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می باشد.» بدین ترتیب آن دسته از مصوبات مجمع که در اثر اختلاف میان مجلس و شورای نگهبان صادر گردیده و حاوی موردی از بازداشت موقت اجباری است (مانند قانون تشدید)، مشمول استثناء تفسیر شورای نگهبان بوده و به وسیله تبصره فوق نسخ می گردد.

۱۰۷- گزینه ۱ صحیح است.

***عوامل موجهه جرم به دلیل جرم نبودن عمل موجب صدور قرار منع تعقیب خواهند شد (ماده ۲۶۵ آ.د.ک) و به موجب ماده ۲۷۷ آ.د.ک: " در صورت نقض قرار موقوفی تعقیب، بازپرس مطابق مقررات و صرف نظر از جهتی که علت نقض قرار موقوفی تعقیب است، به پرونده رسیدگی و با انجام تحقیقات لازم، تصمیم مقتضی اتخاذ می کند."

۱۰۸- گزینه ۱ صحیح است

***ر.ک ماده ۲۹۳: «هرگاه در موارد حقوق عامه و دعاوی راجع به دولت، امور خیریه و اوقاف عامه و امور مجبورین و غائب مفقودالاثار بی سرپرست حکم قطعی صادر شود و دادستان کل کشور حکم مذکور را خلاف شرع بین و یا قانون تشخیص دهد به طور مستدل مراتب را جهت اعمال ماده (۴۷۷) به رئیس قوه قضائیه اعلام می کند».

۱۰۹- گزینه ۱ صحیح است.

***چرا که ربا خواری شامل هیچ یک از مصادیق در صلاحیت دادگاه کیفری یک مذکور در ماده ۳۰۲ ق.ا.د.ک نیست و رباخواری موضوع ماده ۳۰۳ نبوده و در صلاحیت دادگاه انقلاب نیست. لازم به ذکر است رسیدگی به درآمدهای ناشی از رباخواری در صلاحیت دادگاه انقلاب است اما رسیدگی به خود جرم ربا خواری در صلاحیت محاکم عمومی است.

۱۱۰- گزینه ۱ صحیح است.

*** به موجب ماده ۲۹۱ ق.ا.د.ک: " در مواردی که مطابق قانون، تعقیب و رسیدگی به تخلفات مقامات و مسؤولان کشوری به عهده دیوان عالی کشور است، اقدامات مقدماتی و انجام تحقیقات لازم توسط دادسرای دیوان عالی کشور صورت می گیرد." "

۱۱۱- گزینه ۱ صحیح است.

*** به موجب ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری: " جرم در موارد زیر مشهود است:

الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یاد شده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند. ب- بزه دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند. پ- بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد. ت- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود. ث- جرم در منزل یا محل سکناى افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکناى خود درخواست کند. ج- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد. چ- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد." صرف ولگردی از مصادیق جرم مشهود نیست و شخص ولگرد در محل باید دارای سوء شهرت باشد.

۱۱۲- گزینه ۱ صحیح است.

***به موجب تبصره ماده ۳۱۲: " در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است. "

۱۱۳- گزینه ۴ صحیح است.

***به موجب ماده ۳۲۰ ق.ا.د.ک: " شاهد یا مطلع برای حضور در دادگاه احضار می شود. چنانچه شاهد یا مطلع بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود و کشف حقیقت و احقاق حق، متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد، به دستور دادگاه در صورت وجود ضرورت حضور جلب می شود. "

۱۱۴- گزینه ۲ صحیح است.

***باتوجه به م ۳۶۵، هرگاه در پرونده ای متهم اصلی دارای شریک و معاون باشد دادگاه مکلف به رسیدگی و صدور رأی است حتی اگر به یک یا چند نفر از آنان دسترسی نباشد مگر اینکه رسیدگی غیابی جایز نباشد که با توجه به م ۴۰۶ منظور در جرایمی است که فقط جنبه ی حق الهی دارند.

۱۱۵- گزینه ۲ صحیح است.

به استناد ماده ۳۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری

هرگاه متهم با صدور قرار تأمین در بازداشت باشد و به موجب حکم غیرقطعی به حبس، شلاق تعزیری و یا جزای نقدی محکوم شود، مقام قضایی که پرونده تحت نظر او است باید با احتساب ایام بازداشت قبلی، مراتب را به زندان اعلام کند تا وی بیش از میزان محکومیت در زندان نماند

۱۱۶- گزینه ۳ صحیح است.

***ماده ۴۰۰ ق.ا.د.ک:

محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می شود. انتشار آنها ممنوع و استفاده از آنها نیز منوط به اجازه دادگاه است.

۱۱۷- گزینه ۱ صحیح است.

***باتوجه به م ۴۰۶ و تبصره ۲ همین ماده، مهلت واخواهی بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی است و در صورتی که رأی غیابی، ابلاغ قانونی شده باشد محکوم علیه بیست روز از تاریخ اطلاع، مهلت واخواهی دارد.

۱۱۸- گزینه ۴ صحیح است.

***با استناد به م ۴۱۱ در این موارد رئیس دادگستری می تواند شخصاً به جای او انجام وظیفه کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به طور موقت، مأمور رسیدگی نماید.

۱۱۹- گزینه ۱ صحیح است.

*** تبصره ماده ۴۲۰ ق.ا.د.ک این اختیار را فقط به رئیس سازمان داده است.

۱۲۰- گزینه ۲ صحیح است.

*** در بند «ت» ماده ۴۲۱ منظور از اظهار نظر ماهوی، اظهار نظر در ماهیت امر یعنی در مورد تحقق یا عدم تحقق عمل مجرمانه و اتساب یا عدم انتساب آن به متهم است. بنابراین اگر بازپرس پرونده ای بعد از صدور قرار منع تعقیب یا جلب به دادرسی از آن دادسرا به دادگاه انتقال یافته و مدتی بعد در مقام رئیس یا مستشار با همان پرونده مواجه شود ممنوع از رسیدگی است.

داوطلبین گرامی؛

جهت ارتباط با مسئول آزمون و ارائه هر گونه پیشنهاد، انتقاد و نظر صرفاً از

طریق تلگرام پیام های خود را به شماره تلفن ۰۹۳۶۳۵۳۷۱۴۰ ارسال نمایید.

با تشکر

MEHRPOUYAN INSTITUTE